

نگاه

بی‌محلی شورای‌عالی‌کار به مطالبات کارگران

سعیدقلیچی

خبرنگار

هفته‌هاست که تشکل‌های کارگری پیشنهاد برگزاری جلسه شورای‌عالی‌کار را می‌دهند، اما خبری از تشکیل این جلسه نیست. فعالان کارگری می‌گویند از ابتدای امسال فقط یک جلسه شورای‌عالی‌کار آن‌هم برای اهدای تقدیرنامه به وزیر کار دولت گذشته برگزار شده است. یک‌ماه از آغاز فعالیت وزیر جدید کار می‌گذرد و تشکل‌های کارگری می‌گویند حتی جلسه آشنایی هم برگزار نشده است. در این میان، نگرانی‌هایی نیز درباره تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده ایجاد شده است. اهمیت تشکیل هرچه سریع‌تر شورای‌عالی‌کار برای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۴ با حضور چهره‌های دولتی آنجاست که نماینده دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما در این جلسات شرکت خواهد کرد. مسئولان دولتی اعلام کرده‌اند که لایحه بودجه سال آینده را طبق زمان‌بندی قانونی تحویل مجلس شورای اسلامی می‌دهند. فعالان کارگری اما معتقدند که جلسات شورای‌عالی‌کار باید تا مهرماه به پایان برسد که در این صورت است که توافق انجام‌شده درباره تعیین نرخ دستمزد را برای لحاظ‌کردن در بودجه سال آینده دولت، می‌تواند مورد توجه باشد.

مبنای تعیین حداقل دستمزد، عدد سبب معیشت است که یکی از پرچالش‌ترین بخش‌ها برای آنالیز قیمت و بزرگی و کوچکی سفره اقشار کم‌درآمد جامعه محسوب می‌شود. حداقل دستمزد تعیین‌شده در شورای‌عالی‌کار و به‌تبع آن، دستمزد کارگران باسابقه و مهارت بیشتر به قدری با واقعیت‌های زندگی تفاوت دارد که نیروی کار جوان ترجیح می‌دهد اصلاً وارد حوزه کارگری و کار مولد نشود و حتی قید پیداکردن کار را بزند؛ موضوعی که خود را در کاهش نرخ مشارکت اقتصادی نشان داده است. این درحالی است که طبق ماده ۴۱ قانون کار، حداقل دستمزد کارگران باید با توجه به نرخ تورم و براساس هزینه معیشت تعیین شود؛ اما در بسیاری از سال‌ها، این دو معیار رعایت نشده و قدرت خرید کارگران را نابود کرده است. امسال اما، همه از فرایندی صحبت می‌کنند که نظام تعیین دستمزد را متحول می‌کند.

علی باقری، عضو هیئت‌مدیره کانون هم‌هانگی شوراهای اسلامی کار و نماینده جامعه کارگری در شورای‌عالی‌کار، می‌گوید: مذاکره برای تعیین حداقل دستمزد جامعه کارگری باید از اردیبهشت‌ماه آغاز شود و درنهایت مهرماه به پایان برسد تا به این ترتیب، دولت در بودجه سال آینده خود لحاظ کند. رسانه‌ها با نزدیک‌شدن به نیمه دوم سال موضوع را پیگیری می‌کنند و تشکل‌ها هم چندین بار درخواست خود را برای تشکیل جلسه شورای‌عالی‌کار با موضوع دستمزد کارگری به اطلاع اعضای دولت شورا رسانده‌اند؛ اما متأسفانه به نظر می‌رسد اراده‌ای برای برگزاری از سوی نمایندگان دولت وجود ندارد.

فعالان کارگری می‌گویند ملاک نمایندگان جامعه کارگری برای تعیین حداقل دستمزد تورم نیست؛ چراکه قانون‌گذار می‌گوید با توجه به تورم، هزینه‌های زندگی اولویت است. یعنی هزینه‌ها در نظر گرفته شود و با توجه به تورمی که دولت به کارگران تحمیل می‌کند، به این ترتیب در بودجه سالانه‌طوری بودجه بسته شود که این نیازمندی پوشش داده شود. مشکل جایی ایجاد می‌شود که دولت با کسری بودجه مواجه است اما حاضر به کاهش هزینه‌های جاری خود نیست و برای جبران این کسری، دست به چاپ پول می‌زند. این اقدام که در سال‌های گذشته از سوی دولت در دستور کار قرار گرفته، بستر افزایش نرخ تورم را فراهم کرده و به شکل دیگر هزینه آن از جیب کارگر می‌رود.

کارشناسان می‌گویند برای تعیین حداقل دستمزد، در ابتدا باید هزینه‌های زندگی کارگران استخراج شود و سپس با توجه به تورم احتمالی دستمزد تعیین شود. در این میان باقری، نماینده جامعه کارگری در شورای‌عالی‌کار می‌گوید: متأسفانه به نظر نمی‌رسد موضوع سبب معیشت و تعیین دستمزد کارگران دغدغه باشد و قرار است همان سیاست‌های قبلی دنبال شود. درحالی‌که باید پرسید چرا نباید این امر با کارشناسی و علمی جلو برود، چرا باید در روزهای پایانی و ساعات آخر سال، چانه‌زنی شود؟ این عدم پایندی به مبانی علمی متأسفانه در همه دولت‌ها دیده می‌شود.

همه‌ساله از اواسط فصل پاییز، نمایندگان دولت، کارفرما و کارگر، در قالب کمیته‌های شورای‌عالی‌کار وارد مذاکره و چانه‌زنی برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال جدید می‌شوند و هرکدام براساس محاسبات، معیارها و نظرات خود، پیشنهادهایی برای میزان تغییر دستمزد ارائه می‌دهند. این درحالی است که در ماده ۴۱ قانون کار که مبنای قانونی اصلی برای تعیین دستمزد کارگران به شمار می‌آید، به‌صراحت تاکید شده است که حداقل دستمزد باید با توجه به نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی تعیین شود و حداقل دستمزد باید به حدی باشد که هزینه معیشت یک خانوار را پوشش دهد. گرچه این ماده قانونی در ظاهر تکلیف افزایش دستمزد را روشن کرده، اما عمومیت بحث آن به‌گونه‌ای است که هرکدام از طرف‌ها به‌زعم خود آن را تفسیر می‌کنند و در اغلب موارد، مصوبه نهایی دستمزد را با حواشی بسیار به تصویب می‌رسانند.

درخواست برگزاری هرچه زودتر جلسه شورای‌عالی‌کار با محوریت افزایش حق مسکن و بازنگری در دستمزد از هفته‌ها قبل توسط تشکل‌های کارگری مطرح شده است. محمدرضا تاجیک، نماینده مجمع عالی کارگران جمهوری اسلامی ایران دراین‌باره می‌گوید: مطابق قانون باید هر ماه یک جلسه تشکیل شود. درخواست برگزاری هرچه زودتر جلسه شورای‌عالی‌کار با محوریت افزایش حق مسکن و بازنگری در دستمزد را داریم. به نظر می‌رسد دستمزد و سفره کارگران در اولویت نیست. باید بدانیم که همواره خواسته اول کارگران، بحث امنیت شغلی، رعایت سه‌جانبه‌گرایی و دستمزد است.

از ابتدای دولت قیبل برخی تشکل‌های کارگری موضوع امنیت شغلی کارگران را با جدیت پیگیری کردند و جلسات زیادی دراین‌باره برگزار شد ولی پس از گذشت این سال‌ها، هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است. به نظر می‌رسد در دولت سه‌جانبه‌گرایی در شورای‌عالی‌کار و ماده ۴۱ قانون کار رعایت نمی‌شود و دستمزد با توجه به قانون افزایش پیدا نکرد. درخواست کارگران از دولتگردان رعایت قانون است. در زمان تصویب افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۳ گروه کارگری صورت‌جلسه‌مزد را امضا نکردند و امیدوار بودند درصد افزایش به اندازه تورم تعیین شود تا بخشی از مشکلات جامعه کارگری برطرف شود و به سفره کارگران کمک شود اما این اتفاق نیفتاد.

در این میان، برخی از کارشناسان و فعالان حوزه کارگری معتقدند مشکل کارگران در دستمزد، تورم سبب معیشت است. به این ترتیب اگر مبنای تعیین مزد و بحث سبب معیشت درست شود، تعیین دستمزد کارگران کار دشواری نخواهد بود. در چنین شرایطی است که برخی از نمایندگان کارگری می‌گویند اگر قرار است اصلاحی در ماده ۴۱ قانون کار انجام شود، روی سبب معیشت باشد؛ چون مبنای تعیین دستمزد، تورم سبب معیشت است.

تصاویر آخرالزمانی است. انگار دریک برش تاریخی به دوره‌ای در قرن ۱۲ خورشیدی پرت شده‌ایم. مردانی با لباس‌هایی که دامن آن در آغوش باد به رقص می‌آید و هیبت‌های عجیبی هم دارند. دوردریاچه چیتگر را گرفته‌اند. هر طرف را که می‌بینی پر شده از مردانی با این لباس‌های نامتعارف. حضورشان حتی در همین تصاویر هم یک‌طوری است. جوان‌ترهایی که انگار به شیوه خاصی هم زندگی می‌کنند. در هر سو کعده کرده‌اند. تصاویر دیگر بخشی از آنها را در میدان آزادی تهران نشان می‌دهد. سال‌ها پیش در سال ۸۱ اجتماعاتی شبیه این را در همین تهران دیده‌ام؛ اما بایک تفاوت بسیار بزرگ. آن روزکنسرت خواننده‌ای به نام داوود سرخوش از خوانندگان بنام افغانستانی در سالن ۱۲هزارنفری مجموعه آزادی برگزار شد. حجم انبوهی ازافغانستانی‌هاکه عموماً از هزاره‌ها هم بودند. در خیابان راه افتاده بودند و ششاد و سرخوش، روزی خاص را سپری می‌کردند و شغف خودشان را هم از این اجتماع پنهان نمی‌کردند. حتی خوب در ذهنم مانده که آن روزیکی از آنها با لهجه‌ای کاملاً تهرانی به دیگری می‌گفت:

«ارروز، روز ماست دیگه. … تفاوت آن‌روزی‌ها با امروزی‌ها اما خیلی زیاد است. آن سال ۸۱ اجتماعاتی شبیه این را در همین تهران دیده‌ام؛ اما بایک تفاوت بسیار بزرگ. آن روزکنسرت خواننده‌ای به نام داوود سرخوش از خوانندگان بنام افغانستانی در سالن ۱۲هزارنفری مجموعه آزادی برگزار شد. حجم انبوهی ازافغانستانی‌هاکه عموماً از هزاره‌ها هم بودند. در خیابان راه افتاده بودند و ششاد و سرخوش، روزی خاص را سپری می‌کردند و شغف خودشان را هم از این اجتماع پنهان نمی‌کردند. حتی خوب در ذهنم مانده که آن روزیکی از آنها با لهجه‌ای کاملاً تهرانی به دیگری می‌گفت:

«ارروز، روز ماست دیگه. … تفاوت آن‌روزی‌ها اما خیلی زیاد است. آن

نگاهی به وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران

مهاجران زیر تیغ



حمیدرضا عظیمی

روز نه از روی لباس می‌توانستی آنها را بشناسی و نه از روی لهجه؛ فقط چهره‌هایی کاملاً شرقی، آنها را با دیگران متمایز می‌کرد. اما حالا «افغان»‌های چشم‌رمکی به ایران آمده‌اند: افغان‌های بور. اما انگار آن قدر به لباس‌شان تعصب دارند که حاضر نیستند حتی در پایتخت‌های است که به شغف‌هم می‌انجامد. داستان مهاجران افغانستانی لباس‌ها را که با پوشش عمومی متفاوت است، از تن به در کنند. افغانستانی‌ها امروز‌که به ایران آمده‌اند. حتی سبک زندگی خاص خود را هم آورده‌اند. دور هم که جمع می‌شوند، ناگاه می‌بینی

که ماده پودری شکل سبزی‌رنگی را از داخل جیب درمی‌آورند. داخل دستمال کاغذی می‌ریزند و توی دهان و پشت لب بالا پنهان می‌کنند. این ماده سبزی‌رنگ، متاع کعده‌های دوستانه‌ای است که به شغف‌هم می‌انجامد. داستان مهاجران افغانستانی در ایران چندسالی است که وارد فازی جدید شده و انگار قرار است تا ساماندهی کامل آنها هرروز شاهد رخدادهایی باشیم که کام مردم ایران را تلخ می‌کند. مردمی که از یک سسو به مهمان‌نوازی معروفیت دارند و از سسوی دیگر، زیر فشار برخی حوادث، لحنه‌ه به لحنه‌ها با فشار محیطی میهمانان خود مواجه هستند.



در ایران چاقو گیر نمی‌آورد؟» و دوقطبی‌ای بسالا گرفته بود، در یک برنامه اینستاگرامی می‌گفت: «هم‌وطنان من! ایرانی‌ها ما آدم‌های بدی نیستند، اما قبول کنید ما مشکل داریم. ما می‌آیم به کشور مردم و نه فرهنگ آنها را رعایت می‌کنیم و نه حتی لباس‌پوشیدن آنها را. هر کاری هم که دوست داریم می‌خواهیم انجام دهیم، اینکه نمی‌شود و روش زندگی نیست.» غم‌انگیزترین خودانتقادی‌ها در قطب مهاجران، صحبت‌های یک افغانستانی به نام «صلیح مبارز» اروپانشین بود که آن هم در فضای مجازی بسبببازتاب داشت. او می‌گفت: هم‌وطنان عزیز! اگر دقت داشته باشی، ما افغان‌ها به جایی رسیده‌ایم که از همه‌جا رد مرز می‌شویم. آلمان ما را رد مرز می‌کند، ایتالیا ما را رد مرز می‌کند. ما از ایران هم رد مرز می‌شویم. او در ادامه صحبت‌هایش می‌گفت: هیچ توجه کرده‌اید که دنیا دیگر از ما خسته شده است؟ ما به هر کشوری رفته‌ایم فکر کرده‌ایم که هنوز در افغانستان هستیم و هر… دوست داشته‌ایم، انجام داده‌ایم.

متوجه این موضوع هستید که ادعا هم داریم که همه این کشورها بد هستند و دارند به ما ظلم می‌کنند؟ او ادامه داد: حالا درست ایران بد است که ما را رد مرز کرده و پاکستان هم بد است، اما مگر می‌شود هم آلمان بد باشد، هم ایتالیا بد باشد. آیا همه کشورها بد هستند که ما را رد مرز می‌کنند. همه بد هستند و ما خوبیم؟ چرا هیچ جای جهان، ما انسان‌های خوب را نمی‌پذیرند؟ او تاکید داشت: ما با هزار زحمت و خون دل‌خوردن از افغانستان ماتم‌زده خارج می‌شویم و به یک کشور می‌رسیم. بعد یا آنجا با لباس‌های محلی در خیابان‌هاشان حاضر می‌شویم و محیط را غیرطبیعی می‌کنیم یا به شهروندان آنجا دعوا می‌کنیم و آنها را اکتک می‌زنیم و شهرهایشان را به‌کنند می‌کشیم یا به فرهنگ کشور توهین می‌کنیم و به آنها احترام نمی‌گذاریم. لطفاً دیگر به دنیا کند نزنیم.

نگاه رسمی

حضور مهاجران افغانستانی در ایران، که این روزها مسئله‌ای بزرگ ایجاد کرده است، موضوع جدیدی نیست. موضوعی است که از قیبل بوده و حالا با ورود موج جدید از آنها فضای مهاجران نیز تغییر کرده است. فضایی که به قول هم‌وطنان خودشان هنوز باد قندسوز و مزارشریف را با خود دارد و با همان رفتارها قرار است در جامعه ایرانی نیز زیست داشته باشند. رفتارهایی که از نظر جامعه ایرانی به‌هیچ‌عنوان قابل‌پذیرش نیست و مطالبه زیادی برای اخراج آنها به وجود آورده است.

ماجرای مهاجران افغانستانی، ماجرای مردمانی است که به قول اهل فلسفه دچار «دترمینیسم جغرافیا» شده‌اند. جبر جغرافیا آنها را در جایی به دنیا آورده که محصول جنگ است.

درست در زمانی که نامنی افغانستان افزایش یافت و سایه جنگ خودش را روی سر این کشور هوار کرد، آنها از هر سو به سمت ایران هجوم آوردند و البته جامعه ایرانی که در آغاز انقلاب بود، آنها را به‌خوبی پذیرفت. حالا آن نسل به ایران خورگرفته و همه‌چیزش ایرانی شده است. در همین بحث‌هایی که این روزها درباره مهاجران افغانستانی به وجود آمده، یکی از آنها در یک ویدئو می‌گوید: کجا بروم؟ می‌خواهید من را بیرون بیندازید؟ مگر همین‌طوری است. من از جایی نیامده‌ام که به جایی بروم. من همین‌جا به دنیا آمده‌ام. همین‌جا درس خوانده‌ام و بزرگ شده‌ام. من کجا بروم؟

اینها یک بخش از مهاجران هستند که از قضا به دلیل آموزش‌دیدن در ایران در جامعه ایرانی حل شده‌اند و رفتار استاندارد دیگر شهروندان را دارند. هرچند ممکن است در دیگر مؤلفه‌ها با ایرانیان متفاوت باشند. اما موج جدید مهاجران افغانستانی که با شیوه‌های عجیب وارد کشور می‌شوند و با شیوه‌های عجیب‌تر ادامه می‌دهند، کار را به جایی رسانده‌اند که

روزنه

یک ادعا و چند آمار

شرق: جندی پیش خبرگزاری یکی از کشورهای همسایه غربی مطلبی درباره افغانستانی‌ها در ایران نوشت که ادعاهایی هم در آن مطرح شده بود. در این مطلب تاکید شده بود که در ایران حدود ۱۵ میلیون افغانستانی (که قابل تأیید منابع ایرانی نیست) وجود دارد که از قضا اهل فرزنداوری هستند. به گفته این رسانه، آن جمعیت توان این را دارند که با توجه به میزان فرزنداوری‌شان بعد از چند دهه عملاً ترکیب جمعیتی در ایران را تغییر دهند. البته از ادعاهای عجیب‌وغریب دیگر این رسانه باید عبور کرد.

باین‌حال آنچه آن رسانه آمار داده بود، به نظر خیلی درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا مرکز آمار ایران در آمارهای نیروی کار که متعلق به سال ۱۴۰۲ است، ترکیب و تعداد جمعیت مهاجران افغان در ایران را اعلام کرد. در این آمارها که در دسترس عموم قرار دارد، مرکز آمار ایران گزارش داده است: از جمعیت مهاجران رسمی در سال ۱۴۰۲، بیش از ۹۷ درصد مهاجران، افغانستانی هستند. طبق این آمار فقط سه درصد از کل مهاجران رسمی کشور دارای تابعیت‌های غیرافغانستانی بوده‌اند.

طبق اطلاعات منتشرشده این مرکز، بیش از دومیلیون و ۷۸۸ هزار نفر مهاجر رسمی در کشور حضور دارد که دومیلیون و ۷۰۰ هزار نفر آنها افغانستانی هستند. باید تاکید کرد این آمار مربوط به سال ۱۴۰۲ بوده و صرفاً مهاجران رسمی که تابعیت آنها در آمارها ثبت شده، از ظرف مرکز آمار ایران اعلام شده است. البته باید عنوان کرد این آمار حداقل جمعیت افغان در کشور است که به صورت رسمی جمعیت مهاجران غیرقانونی نیامده است. طبق گفته کارشناسان، رقم دقیقی از تعداد کل مهاجران افغان در کشور در دست نیست، اما تخمینی در حدود پنج تا هفت‌میلیون نفر برای جمعیت مهاجران افغانستانی در رسانه‌ها عنوان شده است.

بررسی هرم سنی جمعیت مهاجر افغانستانی کشور نشان می‌دهد هم مردان و هم در زنان بیشترین سهم جمعیتی مربوط به افراد در سنین «بین ۲۵ تا ۶۴ سال» است. طبق آمارها سهم این جمعیت بیش از ۴۰ درصد جمعیت مهاجر است. براساس این، می‌توان گفت سهم بالای این جمعیت در کشور به‌وضوح می‌تواند در بازار کار تأثیرگذار باشد.

در رتبه بعدی هرم سنی، جمعیت «۹ساله و کمتر» قرار دارند. افراد حاضر در این سنن حدود ۲۳٫۹ درصد از مردان و حدود ۲۵٫۲ درصد از زنان را تشکیل می‌دهند. دومین سهم بالای این بازه سنی در هرم جمعیتی افغانستانی‌های مقیم ایران به‌خوبی نشان می‌دهد علاوه‌براینکه جمعیت زیادی با تابعیت افغانستان وارد بازار کار ایران شده‌اند، بلکه سهم بالایی نیز تا چند سال آینده به جمعیت موجود در بازار کار اضافه می‌کنند و این موضوع می‌تواند بر بازار کار و اشتغال کشور تأثیری شکر ف بگذارد.

براساس این هرم سنی می‌توان گفت سنین «۱۵ تا ۲۴ سال» و «۱۰ تا ۱۴ سال» به ترتیب در جایگاه‌های بعدی بیشترین سهم جمعیتی افغانستانی‌های مقیم ایران قرار دارند. براساس این آمارها کمترین سهم جمعیتی برای افغانستانی‌های مقیم ایران مربوط به سنین «بالای ۶۵ سال» بوده که ۲٫۹ درصد از جمعیت مردان و ۱٫۸ درصد از جمعیت زنان را تشکیل داده است.

